

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش زبان فارسی

فصل دوم : شیوه املا فارسی

مهمترین نکات درست نویسی خط و املای فارسی:

❖ حد و استقلال دستوری و معنایی هر کلمه باید حفظ شود، یعنی هر کلمه ای که از نظر معنایی یا دستوری مستقل است باید جدا نوشته شود.

دانشسرای عالی ← دانشسرا (اسم) + عالی (صفت) = درست
دانشسرای عالی ← عدم رعایت استقلال دستوری دو کلمه = نادرست

به چند نکته دقت کنید:

1) حرف ربط (را) حرف ندا (ای) ضمیر (تو) صفت شمارشی (یک) صفت پرسشی (که) و صفت تعجبی (چه) را نباید به کلمه های دیگر چسبانند:

بنویسیم	بنویسیم
دوسترا	دوست را
ایدوست	ای دوست
ترا	تو را
یکروز	یک روز
کرا	که را
چگویم	چه گویم
چکار میکنی	چه کار می کنی
اینکار	این کار
آنکس	آن کس

2) «چه» در کلمه هایی مثل «چرا» به معنی «برای چه» نه به معنی «چه چیز را» و «چسان» باید پیوسته نوشته شود:



بنویسیم	ننویسیم
چرا	چه را
چسان	چه سان
چقدر	چه قدر
چطور	چه طور

3) هر گاه «چه» و «که» با «آن»، «این»، «چنان» و «همچنان» ترکیب شود باید پیوسته نوشته شود؛ یعنی:



بنویسیم	ننویسیم
آنکه	آن که
اینکه	این که
چنانکه	چنان که
همچنانکه	همچنان که
چنانچه	چنان چه
آنچه	آن چه

4) «است» را هرگز نباید به «که» متصل نوشت؛ یعنی:



ننویسیم	بنویسیم
درست است که	درست است که
مردی است که	مردی است که
آن است که	آن است که

❖ هرگاه دو یا چند کلمه با هم **ترکیب** بشود و از ترکیب آنها کلمه ای تازه با مفهوم و معنی **دیگری** غیر از مفهوم هر یک از اجزا **ترکیب شونده** پدید بیاید، باید آن ها را پیوسته نوشت؛ یعنی:



بنویسیم	ننویسیم
یکدیگر	یک دیگر
هیچکاره	هیچ کاره
شاهنامه	شاه نامه
دانشنامه	دانش نامه
دوستکام	دوست کام
صاحب‌دل	صاحب دل

بنویسیم	ننویسیم
اینجا	این جا
آنجا	آن جا
اینجانب	این جانب
بهبود	به بود
چیستان	چیست ان
نگهداری	نگه داری
پنجشنبه	پنج شنبه

به چند نکته دقت کنید:

1) اگر پیوسته نوشتن اجزای کلمه مرکب، باعث اشتباه یا دشواری در خواندن یا نوشتن کلمه بشود یا خلاف عرف به نظر بیاید، چنین کلمه هایی را جدا، اما نزدیک به هم باید نوشت؛ یعنی:

بنویسیم	ننویسیم
هم منزل	هممنزل
کین توز	کیتتوز
عدالت پیشه	عدالتپیشه
بی تربیت تر	بیتربیتتر
ستم ستیز	ستمستیز

2) هرگاه جز دوم کلمه مرکب با «آ» آغاز شود، در ترکیب، مد از روی «الف» حذف می شود؛ یعنی:

بنویسیم	ننویسیم
پیشاهنگ	پیشآهنگ
دلاویز	دلآویز
پیشامد	پیشآمد
دلارام	دلآرام
هماواز	هماآواز
ناماور	نامآور

❖ حرف اضافه «به» جدا از اسم و ضمیر نوشته می شود؛ یعنی:

بنویسیم	نویسیم
به خانه	خانه
به تهران	تهران
به مدرسه	مدرسه
به لندن	لندن
به کتابخانه	کتابخانه
به شهر	شهر
به تو	تو

به چند نکته دقت کنید:

1) از آنجا که حرف «ب» در کلمه های عربی متداول در فارسی، همچون بلافصل، بلاشک و مانند آنها، حرف جر عربی است نه حرف اضافه فارسی، باید به کلمه بعد متصل نوشته شود؛ یعنی:

بنویسیم	نویسیم
بلافصل	به لافصل
بلاشک	به لاشک
بلافاصله	به لافاصله
بلا تکلیف	به لاتکلیف
مابازا	مابه ازا
بدون	به دون
بلامعارض	به لامعارض
بسم الله	به اسم الله

2) «ب» در «بد» که گونه دیگری از «به» است در مواردی مانند بدین، بدان، بدانان، بدیشان و بدو، باید متصل نوشته شود

3) حرف «ب» گاه در ترکیب با اسم به عنوان جز پیشین به کار می رود و صفت یا قید می سازد، که در این صورت نباید آن را با حرف اضافه «به» اشتباه کرد، بلکه باید متصل به کلمه بعد نوشته شود؛ مانند بخرد (خردمند)، بهوش (هوشیار)، بنام (نامی، معروف)، بجد (جداً)، بتدریج (تدریجاً). در نمونه های زیر مسأله بخوبی نمایان است .

حرف اضافه	جز پیشین (که از ترکیب با اسم، صفت و قید ساخته است)
به جد و جهد چو کاری نمی رود از پیش...	در این کار بجد (جدی) باش.
همیشه باید به حقیقت توجه داشت.	اگر گلی، بحقیقت عجین آب حیاتی.
او به سختی کار اهمیت نمی دهد.	او بسختی کار می کند.
به نام خداوند جان و خرد.	علامه طباطبایی مفسر و فیلسوفی بنام بود.

❖ «پیشوند ها و پسوند ها» به کلمه ای که با آن ترکیب می گردد، متصل نوشته می شود؛ یعنی:

بنویسیم	نویسیم
همنشین	هم نشین
همدل	هم دل
همراهی	هم راهی
بیکار	بی کار
بیقرار	بی قرار
باغبان	باغ بان
مرغدان	مرغ دان
دانشمند	دانش مند
گلزار	گل زار
کشتزار	کشت زار
همکار	هم کار

❖ اجزا پیشین فعل، یعنی «ب، ن، م» را باید پیوسته نوشت؛ یعنی:

بنویسیم	ننویسیم
ببیند	به بیند
برود	به رود
نخواند	نه خواند
نبینی	نه بینی
مکن	مه کن

به چند نکته دقت کنید:

(1) پیش جز های «ب، ن، م» وقتی بر سر فعلی که با «آ» آغاز می شود بیایند، مد از روی «ا» حذف می شود و به جای آن «ی» پیش از «ا» در می آید؛ یعنی:

آید + ب ← بیاید

آراید + ن ← نیاراید

آسا + م ← میاسا

(2) «به» را در اول عبارت فعلی، به قیاس قاعده شماره 3 جدا می نویسند؛ یعنی:

بنویسیم	نویسیم
به کار برد	بکار برد
به بار آمد	ببار آمد
به خاطر آورد	بخاطر آورد
به دست آورد	بدست آورد
به زانو درآمد	بزانو درآمد

3) «نه» حرف ربط که معمولاً در جمله مرکب می‌آید و تکرار می‌گردد، جدا از فعل نوشته می‌شود ؛ همچون:

نه می‌خرد، نه می‌فروشد. نه می‌خواند، نه می‌نویسد. نه می‌بیند، نه می‌شنود.

نه زین ظلمت همی‌یابم امانی نه از نور سحر بینم نشانی
(نظامی)

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند
(حافظ)

❖ «می» و «همی»، جدا از فعل نوشته می شود؛ یعنی:

بنویسیم	ننویسیم
می گوید	میگوید
می خواند	میخواند
می کند	میکند
می زد	میزد
همی گفت	همیگفت
همی رفت	همیرفت
همی نوشت	همینوشت

❖ «بی» دو گونه است:

1) حرف اضافه به معنی «بدون»، که مثل «به» حرف اضافه جدا و با فاصله بین کلمه ای نوشته می شود؛ مانند:

بی تربیت نمی توان به سروری رسید.

بی نظم و ترتیب هیچ کاری پیش نمی رود.

بی دل پاک نظر در رخ محبوب مکن.

2) پیشوند نفی که بر سر اسم یا ضمیر می آید و صفت مرکب می سازد، و باید پیوسته نوشته شود؛ همچون:

بیخود از شعلشعه پرتو ذاتم کردند	باده از جام تجلی صفاتم دادند (حافظ)
بیدلی در همه احوال خدا با او بود	او نمی دیدش و از دور خدایا می کرد (حافظ)
خداوند بنده تن آسا و بیکار را دوست ندارد.	

به چند نکته دقت کنید:

1) در آغاز واژه های که چند دندانه دارند و با پیوستن «بی» پیشوند به آنها، نازیبا یا ناخوانا می شوند و نیز در کلمه هایی که با همزه شروع می شوند و با اتصال «بی»، «همزه» در تلفظ با «الف» اشتباه می گردد، «بی» را باید جدا اما بدون فاصله بین کلمه ای نوشت؛ یعنی:

بنویسیم	نویسیم
بی سر و پا	بیسر و پا
بی تربیت	بیتربیت
بی سامان	بیسامان
بی اساس	بیاساس
بی ارزش	بیارزش

❖ «ه» بیان حرکت در جز اول از کلمات مرکب و کلمات جمع بسته شده به «ها» نه حذف می گردد و نه پیوسته نوشته می شود؛ یعنی:

نکته: این قاعده، شامل «ها»ی ملفوظ نمی شود؛ یعنی کلمه هایی نظیر دهها، ماهها، کوهها، مهوش و گرهما را به همین صورت مکتوب باید نوشت.

بنویسیم	نویسیم
علاقه مند	علاقمند یا علاقهمند
گله مند	گلمند یا گلهمند
جامه ها	جامها یا جامهها
حیله ها	حیلهها یا حیلها

❖ در کلمات مرکب عربی متداول در فارسی، کلمه های مستقل را باید جدا از هم نوشت؛ یعنی:

بنویسیم	بنویسیم
انشاءالله	ان شاءالله
منجمله	من جمله
عنقریب	عن قریب
علیهذا	علی هذا
معهذا	مع هذا
معذک	مع ذلک
علیرغم	علی رغم
علیحدہ	علی حدہ

❖ «ها» ی علامت جمع، باید پیوسته به کلمه نوشته شود؛ یعنی:

بنویسیم	نویسیم
گلها	گل ها
باغها	باغ ها
کتابها	کتاب ها
آنها	آن ها
قلمها	قلم ها
لباسها	لباس ها

❖ کلمه هایی که به مصوت بلند «آ» و «و» ختم می شوند ، هنگام اضافه شدن به کلمه

ای دیگر یا آمدن صفت به دنبال آنها «ی» میان آنها فاصله می شود. مانند:

دانای روزگار، موی سیاه، کالای فاسد، سبوی بزرگ و.....

نکته  اگر این کلمه ها به «ان» علامت جمع یا صفت فاعلی یا اسم مصدر اضافه

شوند ، بین کلمه و این علامت ، «ی» فاصله می شود مانند:

دانایان ← دانا + ان (علامت جمع) = دانایان

آشنایان، نکویان، گویان، قالیشویان و.....

➤ کلمه هایی که به مصوت بلند « ی » ختم می شوند مانند: «آگاهی، ماهی، دیوانگی معنی « وقتی به یای دیگری مثل (وحدت یا نکره) به این شکل نوشته می شود:

معنی ای	دیوانگی ای	ماهی ای	آگاهی ای
این نوع کلمات وقتی به کلمه دیگری اضافه می شوند مانند کلمات مختوم به صامت عمل می کنند و به شکل زیر می آیند:			
معنی مناسب	دیوانگی او	ماهی دریا	آگاهی تو

هم (حرف ربط) از ماقبل و ما بعد خود جدا نوشته می شود:

بنویسیم ← هم خوان هم نوشت ننویسیم ← همخواند همنوشت

اسم های خاص به شکل زیر باید نوشته شوند:

هارون، اسماعیل، ابراهیم، اسحاق، رحمان، ملایکه، سلیمان و....

در کلمه هایی مانند **کاووس** ، **طاووس**، **سیاوش**، **لهاور**، که یک واو صامت و یک واو مصوت دارند بهتر است هر دو واو را در نوشتن حفظ کنیم .

«الف» مقصوره ی برخی کلمات مقصور عربی همچنان که در فارسی «الف» تلفظ می شود ، به صورت الف هم نوشته می شود:

نادرست	درست
اعلی	اعلا
بلوی	بلوا
شوری	شورا
معلی	معلا
مبتلی	مبتلا
هوی	هوا
مصفی	مصفا

دقت کنید:

اما اگر این الف در اسم های خاص عربی باشد باید با «ی» نوشته شود مانند : مصطفی، مرتضی و..

دقت کنید: اسم های خاص کبرا، صغرا، لیلا باید به این صورت نوشته شوند .



دقت کنید:

کلمه مرکب « اولی تر » چون در زبان فاسی متداول شده به همین صورت نوشته می شود.

❖ اسم مختوم به «الف» مقصور اگر به صفت یا مضاف الیه اضافه شود با «الف» نوشته می شود

❖ مانند: یحیا ی برمکی-----عیسای مسیح-----موسی کلیم و.....

❖ کلمه هایی که به مصوت های کشیده و بلند «آ» و «ؤ» مانند (دانا و نیکو) ختم می شوند اگر به اجزایی

متصل شوند که با مصوت بلند «ی» آغاز شوند ، بین دو مصوت بلند «ی» اضافه می شود :

دانشجوییم - نیکویی - روشنایی

➤ در املای فعل اسنادی « است » توجه داشته باشیم:

همزه ی « است » پس از کلمات مختوم به مصوت بلند « آ » و « و » حذف می شود مانند:

او مردی **دانا**ست. او مردی **سخنگو**ست.

اگر « است » پس از مصوت بلند (ی) واقع شود همزه آن در نوشتن به حال خود باقی می ماند:

هر که در او جوهر **دانایی** است بر همه کاریش **توانایی** است

پس از حروف (صامت و مصوت مرکب) همزه ی است باقی می ماند:

به ایران برادرت شاه **نو** است جهاندار بیدار **کیخسرو** است

به جز « است » صیغه های دیگر این فعل (ام، ای، ایم، اید، اند) که در واقع (استم، استی، استیم، استید

و استند) هستند به این شکل به کار می روند:

بزرگم، بزرگی، بزرگیم، بزرگید، بزرگند

و اگر کلمه به مصوتی مانند « آ » یا « و » ختم شود جز در سوم شخص مفرد همزه ی « ام، ای و .. » به « ی »

تبدیل می شود: **سخنگویم، توانایم، بینایم و**

- ▶ پس از مصوت «ی» همه ی صیغه های فعل «است» بدون تغییر می آیند: **هنری ام، هنری اند، هنری اید و..**
- ▶ پس از کلمه های مختوم به «ه» بیان حرکت نیز تمام صیغه های «است» بدون تغییر به کار می روند: **آزاده ام، آزاده ای، دیده ام، خوانده ای و..**

▶ اگر «است» به کلمه های «**دو**» و «**تو**» که واو بیان افکند ضمه دارند هیچ تغییری روی نمی دهد:

من همه جا با **تو**ام او همه جا با شما **هردو** است

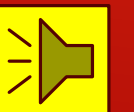
✓ **چه، که، نه** (حرف نفی) هنگام پیوستن به «است» به شکل زیر نوشته می شوند:

✓ **چیست، کیست، نیست**

✓ اگر اجزاء پیشین «**ب، ن، م**» بر سر افعالی که با همزه آغاز می شوند بیاید همزه در نوشتن به «**ی**» تبدیل می شود:

بنویسیم	ننویسیم
بینداخت	بیانداخت
بیفکند	بیافکند
میفکن	میافکن
نیفتاد	نیافتاد

اما اگر فعل با «ای» یا «اِ» آغاز شود این حروف پیوسته به اجزاء قبل نوشته می شود مانند: **بایستاد، نایستاد**



❖ اگر پس از حرف صامت «ی» مصوت کشیده و بلند «ی=ا» بیاید هر دو حرف به صورت «یاء» نوشته می شود :

بنویسیم	ننویسیم
بوییدن	بوئیدن
روییدن	روئیدن
چایی	چائی
پایین	پائین
پوییدن	پوئیدن
نایین	نائین

✓ **تنوین** مخصوص کلمات عربی است و به کار بردن آن در واژه های فارسی و غیر عربی درست نیست.

✓ کلمه های عربی که تنوین نصب دارند به همان صورت عربی نوشته می شوند مانند:

✓ **عملاً، قطعاً، سهواً، واقعاً، عمداً** و... بهتر است به جای این کلمات معادل فارسی آنها را به کار ببریم مانند « **به عمد** » به جای « **عمداً** »

بنویسیم	ننویسیم
بناچار	ناچاراً
جانی	جاناً
زبانی	زباناً
گاهی	گاهاً
سوم	سوماً
تلفنی	تلفناً

✓ **در نوشتن همزه به نکات زیر دقت کنید:**

✓ اگر همزه عربی در آغاز کلمه بیاید حکم همزه فارسی را دارد مانند کلمات: اصل، ارشد، اساس، اعظم و....

✓ نوشتن کلمه های خارجی نیز که با همزه آغاز می شود تابع این قاعده است مانند: ایدئولوژی

✓ همزه ساکن آخر کلمه های ممدود عربی مانند ابتداء، انتهاء، صحراء و... در تلفظ فارسی زبانان حذف می شود.

بنویسیم	نویسیم
ابتدا	ابتداء
انتها	انتهاء
املا	املاء
شعرا	شعراء
فضلا	فضلاء
اعضا	اعضاء

این گونه کلمات وقتی مضاف یا موصوف واقع شوند
قائده اسم های مختوم به «الف» در فارسی در مورد
آنها جاری می شود.

بنویسیم	نویسیم
ابتدای کار	ابتداء کار
املای درست	املاء درست
فضلا ی برتر	فضلاء برتر

✓ همزه ی ساکن وسط یا آخر کلمه اگر پس از فتحه بیاید روی کرسی «الف» نوشته می شود مانند: **رأس ، مبدأ، تأثیر، خلأ و....**

✓ همزه ی وسط کلمه **اگر بین «فتحه» و «الف»** بیاید به این شکل نوشته می شود: **مآثر، مآخذ و...**

✓ همزه ی ماقبل مضموم همیشه روی «واو» نوشته می شود مانند: **مؤدب، مؤسس، رؤیا، مؤانست، مؤاخذه**

✓ همزه ی آخر کلمه را اگر قبل از آن حرف صامت یا مصوت های بلند **«و» و «ی»** باشد، جدا و بعد از آخرین حرف کلمه می نویسند مانند **جزء، سوء، شی**

ء.....

✓ همزه ی ساکن یا متحرک اگر پس از کسره ----- بیاید به شکل زیر نوشته می شود: **بئر، (چاه) توطئه، تبرئه و....**

✓ کلمه های خارجی مانند **رنالیست و ایدئالیست** هم به این شکل می آیند.

✓ همزه ی مفتوح ماقبل ساکن در وسط کلمه روی کرسی «ا» نوشته می شود مانند: **جرات، هیأت، نشأت، و....**

همزه مضموم وسط کلمه پیش از مصوت بلند «و» به پیروی از مصوت به صورت «و» نوشته می شود **مانند: شؤن، رؤوس، مروؤس و....**

کلمه های خارجی **مانند زئوس، ناپلئون، کاکائو، لئوناردو، لائوس** به همین شکل نوشته می شوند .

✓ همزه متحرک وسط کلمه که پیش از مصوت بلند (ـی) باشد ، به این شکل نوشته می شود.
لئیم، رئیس، میکائیل

همزه کلمات پروتئین، تیفوئید، کافئین، بمبئی، آلدئید، آکالوئید به این شکل نوشته می شود.

همزه ی مکسور وسط کلمه به این شکل نوشته می شود: ائمه، جوائز، مسائل، رسائل

همزه ی این نوع کلمات عربی را فارسی زبانان از دیر باز شکل «ی» می نوشتند و اکنون نیز می نویسند ولی بهتر است با همزه بنویسند .

کلمات خدمتگزار، نمازگزار، شکر گزار را باید به این شکل نوشت نه با «ذ» زیرا در این کلمات منظور از «گزاردن» ادا کردن و به جا آوردن است نه قراردادن .



پایان فصل دوم : شیوه ی املا ی فارسی
موفق باشید